

گذاری بر گذران علمی - اجتماعی دکتر فاطمه سیاح (بخش پایانی)

سیاح، جنبش زنان ایران

● در سال ۱۳۲۳ بر مبنای اساسنامه‌ی حزب زنان، کمیسیون حقوقی این حزب، توسط فاطمه سیاح که عضو بنگاه حمایت از زندانیان و دبیر اول حزب بود، از وزارت دادگستری اجازه‌ی رسیدگی به وضعیت زندان زنان را گرفت.



حاکم‌ی کشور، از این کابوس رکود و سستی، به کلی ناتوان و خسته و بی‌قدرت و دست و پا شکسته شده‌اند. در آن جا بودجه‌ی کافی نیست تا مخارج لازم به سرعت صورت گیرد و مستخدم و کارکن به حد کفایت نیست تا کارهای لازم زودتر انجام پذیرد و از این جمعیت هر بدبختی که در آن دخمه‌ی مظلوم قدم می‌نهد، باید آن قدر بنالد و بزارد و در آن جا بماند تا مگر روزی پرونده‌ی مدت‌ها گمشده یا راكد مانده‌ی او پیدا شود و به جریان افتد...

بدین ترتیب عمده فعالیت حزب زنان، برای زنان زندانی، یافتن و به جریان انداختن پرونده‌های گمشده و نجات عده‌ی بسیاری زنان بی‌گناه یا زندانی بوده است که با جرم اندک، مدت بسیاری در حبس بوده‌اند. رسیدگی به وضعیت بهداشت و تغذیه و لباس نوزادانی که در زندان متولد می‌شدند، گفت‌وگو و همدردی با این زنان و شنیدن گفته‌هایشان از دیگر کارهای حزب زنان بوده است.

حق رأی

کوشش برای دستیابی زنان به حق رأی که در زمهری صفار و مجانبین از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم بودند، از همان آغاز تأسیس مجلس شورای ملی دیده می‌شود. در همان هنگام در نشریاتی چون **صور اسرافیل**، **حبل المتین**، **مساوات**، **ایران نو** و ... روشنفکران زن و مرد با نوشتن مقالاتی آن را مورد انتقاد قرار دادند.

در سال ۱۲۹۰ ش (۱۹۱۱ م) وکیل **الرعايا**، نماینده‌ی مردم همدان در مجلس، از حق رأی زنان در تشکیل انجمن‌ها حمایت کرد و درخواست حق رأی زنان را تقدیم مجلس کرد. این - کوشش‌ها که از دوره‌ی دوم مشروطیت شاهد آئیم - را باید از نخستین

مهرانگیز دولتشاهی، **توران وارسته**، **فصیح‌الملوک سهام**، **قمر فرجام**، **ناهید فخرآرا**، **هاجر تربیت** و ... اداره می‌شد و سیاح دبیر اول حزب بود. از اصول این حزب رسیدگی به اوضاع و احوال زنان ایران، کوشش برای برقراری برابری حقوق و آزادی و ترقی زنان و اجرای منشور مصوب جامعه‌ی ملل درباره‌ی حقوق و آزادی زنان بود.

حزب زنان، رسیدگی به وضعیت زنان زندانی بر مبنای اساسنامه‌ی حزب زنان، کمیسیون حقوقی این حزب، توسط فاطمه سیاح که عضو بنگاه حمایت از زندانیان بود، در سال ۱۳۲۳ از وزارت دادگستری اجازه‌ی رسیدگی به وضعیت زندان زنان را گرفت و **نزهت جهانگیر** عضو کمیسیون حقوقی حزب، مأمور تحقیق و رسیدگی درباره‌ی وضعیت زنان زندانی شد و برای آن عده که مستحق عفو بودند، حکم آزادی گرفت و به کار دیگری که حتا وضعیت جرم یا بی‌گناهی‌شان معلوم نبود، رسیدگی کرد.

فروغ حکمت، نویسنده‌ی مطلبی به نام **زندان زنان ایران**، در نخستین شماره‌ی نشریه‌ی حزب زنان ایران، وضعیت زنان زندانی را به صراحت توصیف می‌کند و جسارت را بدان جا می‌رساند که پوسیدگی طببقی حاکمه و فساد اداری را از جمله مشکلات زندان زنان برمی‌شمارد؛

در این بی‌غوله که نامش زندان است، مانند سایر چرخ‌های اجتماعی این کشور، موریانه‌ی هرج و مرج و فقر اداری و کندی عمل، کاملاً رخنه کرده و برای انجام کار سریع در آن جا نه قوه است نه پول و نه کارگر یعنی مستخدم و پاسبان کافی مأمورین و کارفرمایان بیچاره‌ی این دستگاه نیز که موظف به نظم و سرعت در انجام امور زنانند، در اثر عدم مساعدت و رکود طبقات مافوق و اختلالات اداری و فساد و پوسیدگی طببقی

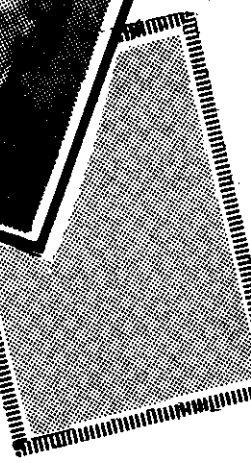
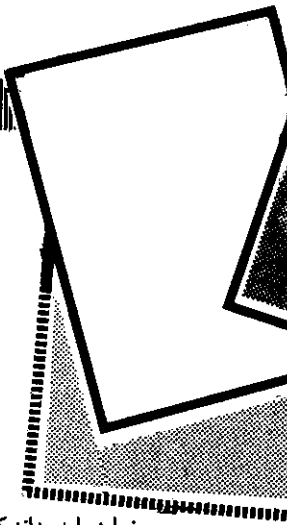
در سال ۱۳۱۵ به ریاست شعبه‌ی ادبی هیأت مدیره‌ی **کانون بانوان** انتخاب شد. کانون بانوان، بزرگ‌ترین جمعیت زنان ایران، تا آن - نام در شهرهای مختلف ایران بیش از پنجاه شعبه داشت. هیأت مدیره‌ی کانون در آغاز **هاجر تربیت** و **نایب رییس**، **صدیقه دولت‌آبادی** بود. هیأت مدیره‌ی کانون به شعبه‌ی ادبی، امور خیریه و تربیت بدنی تقسیم می‌شد که ریاست شعبه‌ی ادبی با فاطمه سیاح بود. این شعبه با انتشار نشریات و برپایی کنفرانس‌ها و تأسیس کتابخانه و کلاس‌های ادبی به آموزش و پرورش و تواناسازی فکری - فرهنگی زنان می‌پرداخت.

در همین سال (۱۳۱۵ ش، اکتبر ۱۹۳۶) فاطمه سیاح از سوی وزارت خارجه به سمت عضو هیأت نمایندگی ایران، به ریاست **انوشیروان خان سپهبدی**، برای شرکت در هفدهمین دوره‌ی اجلاس‌ی جامعه‌ی ملل، به ژنو رفت.

در سال ۱۳۲۳، با گروهی از زنان همفکر خود از جمله **صفیه فیروز**، **هاجر تربیت**، **شمس‌الملوک مصاحب**، **بامداد** و **دکتر منوچهریان** و ... شورای زنان را تشکیل داد. این جلسات در خانه‌ی صفیه فیروز تشکیل می‌شد.

فاطمه سیاح در همان سال با دکتر **ملکه بیانی** (ملک زاده) **انجمن تعاون زنان ایران** را تأسیس کرد و خود ریاست آن را بر عهده گرفت. او همچنین در **کمیته مرکزی در سازمان زنان ایران** و **جمعیت شیر و خورشید سرخ بانوان ایران** عضو بود.

حزب زنان ایران نیز شعبه‌ای از حزب دموکرات ایران بود. سازمان حزب از یک کمیته‌ی مرکزی و چندین کمیسیون تشکیل می‌شد. کمیته‌ی مرکزی محور اصلی حزب بود. این حزب نخستین حزبی بود که زنان را به کوشش‌های حزبی و سیاسی خواند. حزب زنان توسط فاطمه سیاح، **پروین ملک آرایسی**،



● حزب زنان: اکنون برای دولت ایران بسی خجلت آور است که در ردیف کشورهای عقب مانده تلقی شود و همچنین سزاوار نیست که دولت ما خود را بازیچه‌ی یک مشت عناصر مرتجع کند.

حقوقی زنان در دنیا رخ داده است که مابین آن‌ها نکات زیر را می‌توان در درجه‌ی اول بیان نمود:

۱- در نتیجه‌ی تصمیمی که در کنفرانس سان‌فرانسیسکو اتخاذ شده، تساوی کامل در حقوق بدون تفاوت جنسی و نژادی به بشر اعطا می‌شود.

۲- اعطای تمام حقوق سیاسی و حق انتخاب به زنان فرانسه.

۳- نهضت سیاسی زنان در ژاپن طبق دستور مقامات متفقین و اعطای حق انتخاب به زن ژاپنی.

۴- پاپ در بیانیهای که به توسط رادیو در واتیکان منتشر ساخته است، زنان کاتولیک را به شرکت در زندگی اجتماعی و سیاسی کشور دعوت می‌نماید. مخصوصاً آن‌ها را به استفاده از حق انتخاب تشویق می‌نماید تا بتوانند به توسط آن از حقوق خانوادگی خود دفاع کنند. پاپ تنگرمی‌دهد حق انتخاب برای زنان اسلحه‌ی قوی است که باید آن را بکار برند.

حزب زنان ایران با توجه به مسائل فوق، اشعار می‌دارد چنانچه کشور ما می‌خواهد که موقعیتی میان دول متمدن دنیا داشته باشد و از یک اصول حقیقی دموکراسی پیروی

نماید باید بداند که وضعیت فعلی زنان در ایران با این روش قابل تطبیق نبوده و قهراً باید تغییر یابد. زیرا امروز در تمام عالم دیگر هیچ قوم متمدن و تابع اصول دموکراسی یافت نمی‌شود که زنان در آن جا از مقام حقوق اجتماعی بهره‌مند نباشند و بالعکس در کشورهای فاشیست، عقب ماندن زن‌ها در میدان سیاست به این علت بوده که آن‌ها را فقط به منزله‌ی ماشین بچه درست کردن می‌پنداشتند و منظور نهایی این عمل یعنی ازدیاد نفوس فقط تهیه‌ی نفرات بیش‌تری در صفوف قشون و اعزام به جبهه‌های جنگ بوده است که عاقبت فجیع آن را مشاهده نموده‌ایم.

اکنون برای دولت ایران واقعاً بسی خجلت‌آور است که در ردیف کشورهای عقب مانده تلقی شود و همچنین سزاوار نیست که دولت ما خود را بازیچه‌ی یک مشت عناصر مرتجع کند. [که] متأسفانه در جریان سال‌های اخیر معلوم نیست که به چه علت این اندازه قدرت و نفوذ پیدا کرده‌اند.

اینک که صحبت از اصلاح قانون انتخابات در میان آمده است، شایسته است بی‌عدالتی را که تاکنون نسبت به حقوق زنان ایرانی روا داشته‌اند، مرتفع نمایند.

امیدواریم نمایندگان ما که نمونه‌ای از طبقه‌ی، برگزیده و روشنفکر کشور ما هستند در ترتیب اثر دادن به پیشنهادات تقدیمی ما منتها درجه‌ی سعی و جدیت خواهد نمود. و الا از چه کسانی بایستی اصلاح نواقص قوانین خود را انتظار داشته باشیم؟ زیرا اگر چنین اصلاحاتی در تحت تأثیر اجانب به عمل آید یک ننگ بزرگ و تاریخی برای ایران خواهد بود و واقعاً برای ما زنان موجب بسی ناامیدی است که حقوق زنان ایران به دست بیگانگان نظیر ژاپن به ما اعطا گردد.

ما اعتماد کامل داریم نمایندگان ما

بیش از این تحمل نخواهند نمود که خواهران آن‌ها از حقوق و امتیازاتی که امروز در تمام کشورهای متمدن و دموکراسی حق طبیعی و مسلم آن‌ها شناخته می‌شود محروم بمانند.

دبیرخانه حزب زنان ایران

جناب آقای قوام نخست وزیر

در این موقع که زمام کشور به دست مصلح و توانای آن جناب سپرده شده و با فعالیت خستگی‌ناپذیری در رفع مشکلات سیاسی و اصلاحات امور داخلی قدم‌های مفیدی بر می‌دارید جمعیت طرفداران حقوق زنان ایران از حمایت آن جناب در حفظ حیثیت ملت ایران و ارتقای شئون سیاسی و اجتماعی آن و مخصوصاً توجه به حقوق زنان و تصمیم به رفع محرومیت‌شان از حقوق سیاسی و اجتماعی که از جمله آثار آن ماده‌ی ۹ موافقت‌نامه بین دولت و اهالی آذربایجان و تصریح به این که به محض افتتاح مجلس دوری پانزدهم لایحه‌ی تساوی حقوق زن و مرد در امر انتخابات تقدیم مجلس شورای ملی خواهد گردید، می‌باشد تا زنان نیز دارای حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن بشوند صمیمانه تشکر می‌نماید. این جمعیت با اطلاع کامل از علاقه‌مندی خاص آن جناب به اثبات رشد سیاسی و اجتماعی ملت ایران به خوبی می‌داند که اگر فرصت کافی برای تحقیق و تدقیق در قوانین وجود داشت اجرای نیت مقدس مذکور موکول به تصویب قانون مخصوص در دوری پانزدهم نمی‌شد و چون جمعیت طرفداران حقوق زنان در این باب بررسی و مطالعه‌ی کاملی نموده لذا با استحضار خاطر محترم می‌رساند که قوانین فعلی کشور تساوی کامل حقوق زنان و مردان را تأمین نموده و با همین قوانین نیز مانعی برای شرکت بانوان در امر انتخابات نیست.

تمنا دارد امر و مقرر فرمایند به مراتبی که در زیر توضیح داده می‌شود توجه مخصوص مبذول گردد تا به خوبی روشن شود که تساوی حقوق زنان و مردان ایران را قوانین فعلی کشور تأمین نموده است.

طبق اصل ششم قانون اساسی اهالی مملکت ایران در مقابل قانون متساوی الحقوقند قهری است که زنان نیز از اهالی مملکت ایران می‌باشند باید از تمام مزایای

● حزب زنان: طبق اصل ششم قانون اساسی «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون متساوی الحقوقند» قهری است که زنان نیز از اهالی مملکت ایران می‌باشند باید از تمام مزایای مدنیت متساوی با مردان بهره‌مند شوند.

مدنیت متساوی با مردان بهره‌مند شوند. اصل پنجاه و هشتم متمم قانون اساسی تصریح دارد که هیچ کس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد مگر آن که مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد.

باتوجه به دو اصل مذکور در فوق در استفاده از حقوق قانونی با مردان مستثنا نشده و مفهوم صریح اصل ششم و عدم استثنا و تخصیص تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی زنان با مردان به حکم قانون اساسی مسلم می‌گردد روی این اصل مواد ۱۰ و ۱۳ قانون انتخابات که زنان را از حق انتخاب شدن محروم نموده صریحاً برخلاف قانون اساسی است و دولت‌ها مکلف به اجرای قوانین خلاف قانون اساسی نیستند.

اصولاً با تصویب منشور ملل متحد در جلسه سیزدهم شهریور ماه ۱۳۲۴ که به امضای نمایندگان ۵۱ دولت نیز رسیده و با در نظر گرفتن یک جمله از مقدمه منشور که اشعار شده (و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن) و همچنین توجه به بند ۳ از ماده‌ی اول منشور نامبرده که مصرح است «با توسعه و تشویق احترام حقوق انسانی و آزادی‌هایی که برای عموم اساسی می‌باشد بدون تمایز بین نژاد و جنس...» مسلم است که دولت و ملت ایران نیز با تصویب شدن منشور پیش گفته تساوی کامل حقوق زنان و مردان را پذیرفته است.

علاوه بر این که قانون انتخابات که بانوان را محروم از شرکت در حق انتخاب کردن و انتخاب شدن نموده برخلاف قانون اساسی است تصویب شدن منشور ملل متحد نسخ و الغای ضمنی دو شرط مقرر در ماده‌ی ۱۰ و ماده‌ی ۱۳ قانون انتخابات می‌باشد و بنابراین با تصویب منشور بانوان می‌توانند هم در انتخاب کردن شرکت نموده و هم حق انتخاب شدن را دارا باشند و در مقدمه‌ای هم که دولت پر لایحه‌ی تقدیمی به مجلس شورای ملی نوشته دیده می‌شود که تصریح به لزوم همکاری بین‌المللی شده و از همین نظر طبق ماده واحده‌ی درخواست تصویب منشور ملل متحد از مجلس شورای ملی گردید شایسته بود که دولت سابق همان روز برای عملی ساختن و اجرای قانون الغاء صریح بند اول ماده‌ی ۱۰ و بند دوم ماده‌ی

۱۳ قانون انتخابات را اعلام می‌کرد تا امروز با شرکت دادن زنان در امر انتخابات ثابت شود که ملت ایران واجد تمام مزایای تمدن و رشد سیاسی است و اصل آزادی بشر و همکاری بین‌المللی را رعایت کرده است.

ولی این عمل از آن دولت‌ها ساخته نبود اکنون که دولت با شهامت فعلی می‌تواند این امر تصویب شده را به مرحله‌ی عمل درآورد ما جمعیت طرفداران حقوق زنان تقاضا داریم که دستور اکید صادر فرمایند در انتخابات دوره‌ی پانزدهم این حق قانونی و تصویب شده درباره‌ی زنان ایرانی به صورت عمل درآید.

نکته دیگری که این جمعیت با علم به استحضار کامل آن جناب قابل تذکر می‌داند این است که مطابق دو اصل ششم و پنجاه و ششم قانون اساسی و متمم آن که در فوق ذکر شده جای تردید نیست که زنان مسلمان ایرانی که واجد معلومات شایسته و کافی باشند می‌توانند به مقام وزارت برسند و از همین نظر است که قوانین استخدام کشوری و قضایی و فرهنگی و قانون وکلای دادگستری بانوان را استثنا نکرده و عملاً هم دولت‌ها در استخدام بانوان در ادارات کشوری و حال لشکری و اعطای پروانه وکالت دادگستری ثابت کرده‌اند که اصل ششم قانون اساسی در تساوی حقوق زنان با مردان لازم الاجراء است.

ولی ناچار از ذکر این نکته که متأسفانه این تساوی فقط و فقط در خدمات کم ارزش دولت رعایت می‌گردد و تاکنون دولت‌ها حاضر نشده‌اند زنی را به وزارت و یا معاونت یک وزارتخانه انتخاب نمایند و یا این که حداقل ثلث از محصلین این کشور را دوشیزگان و بانوان تشکیل می‌دهند در شورای عالی فرهنگی یا فرهنگستان برای زنان کرسی و مقامی در نظر بگیرند.

برای جبران غفلت دولت‌های سابق با در نظر گرفتن شرایط زمان و مقتضیات عصر کنونی از دولت حاضر که به ترمیم خرابی‌ها همت گذاشته تمنا داریم که امر و مقرر فرمایند وزارت فرهنگ و سایر وزارتخانه‌ها برای کرسی‌های افتخاری فرهنگ و تصدی مشاغل مهمه لیاقت و شایستگی و تقوی را بدون رعایت جنس ملاک و مدرک انتخاب

اشخاص قرار دهند و حال که متأسفانه کرسی خالی در شورای عالی معارف موجود نیست امر و مقرر گردد چندین کرسی وابسته به بانوان اعطا و همچنین در فرهنگستان نیز کرسی‌هایی برای بانوان فاضل و شایسته‌ی مقام فرهنگستان تهیه گردد و نیز تقاضا می‌شود خود آن جناب که مسلماً به اصل تساوی حقوق زنان و مردان معتقد هستند بانوان را در دستگاه دولت اعم از معاونت یا وزارت شرکت دهند.

در خاتمه انتظار می‌رود که آن جناب اکیداً دستور فرمایند هرگونه تبعیض بین زن و مرد را که امروز در کشور چه از حیث استفاده از مزایای سیاسی و چه از حیث دستمزد زنان کارگر در کارخانه‌ها و چه از نظر مشاغل که ارجاع می‌شود برطرف شده و جامعه‌ی زنان و طرفداران حقوق آنان را سپاسگزار فرمایند.

از طرف حزب زنان ایران، فاطمه سیاح

از طرف تشکیلات زنان، مریم فیروز

از طرف جمعیت طرفداران حقوق زنان، هرمز

سفر به ترکیه

در سال ۱۳۲۳ فاطمه سیاح به همراه هاجر تربیت از سوی حزب زنان ایران برای مطالعه و بررسی انجمن‌های زنان ترک و ترقیات آن کشور، به ترکیه رفتند. نام‌های فاطمه سیاح دبیر اول حزب، به وزارت خارجه برای شرکت در این برنامه‌ی پژوهشی این بود: [منشی اول دبیرخانه حزب زنان ایران به وزارت امور خارجه، ۱۹/تیر/۱۳۲۲]

مقام منبع وزارت خارجه

حزب زنان ایران به منظور تأمین ارتباط با مجامع کشورهای شرقی و تشریک مساعی با آن‌ها برای ترویج و اشاعه‌ی فکر صلح و سلم در گیتی و تهیه‌ی زمینه جهت ارسال نمایندگان از طرف زنان کشورهای مشرق زمین برای شرکت در کنفرانس صلح و تأمین حقوق شایسته‌ی اجتماعی زنان و بهره‌مند شدن آن‌ها را از مزایای حقیقی آزادی و احراز مقام و شئونی که متناسب با مقام مادری آن‌هاست، قرار گذاشته که از بین اعضای خود نمایندگان انتخاب و به کشورهای خاور روانه نماید.

در جلسه‌ی روز یکشنبه ۱۰ تیر ماه، بانو فاطمه سیاح و بانو هاجر تربیت را برای مسافرت به کشور ترکیه بدین منظور به

● حزب زنان: متأسفانه تساوی فقط و فقط در خدمات کم ارزش دولت رعایت می‌گردد و تاکنون دولت حاضر نشده‌اند زنی را به وزارت و یا معاونت یک وزارتخانه انتخاب نمایند.

گفتند: «نماینده‌ی شورای زنان» و در ضمن به من اعتراض کردند که «شما چرا به سفارت ایران رفتید و چرا آن‌ها شما را معرفی کردند و این دولت عزیز که به ما هیچ حقی نمی‌دهد ما چه کار به کار سفارت داریم؟» در پاسخ ایشان گفتم «سفارت کبری ما نماینده‌ی رسمی مملکت ماست و تا سفارت ما را معرفی نکند کار ما رسمیت نخواهد داشت. به علاوه من در هر حال انجام وظیفه کرده‌ام.»

... بعد از آن خانم سیاح [در آن جا] عنوان کردند که «ما هم در مملکت مان آزادی نداریم و مردها در هیچ شغلی به ما حق نمی‌دهند، و الا ما خانم‌ها حاضر برای هر کاری هستیم.»

... همان روز به او تذکرادم که «مناسب نیست ما عجز و بیچارگی خودمان را در نزد بیگانگان ذکر کنیم. آن‌ها چه می‌توانند برای ما بکنند؟ و البته بایستی ما در خارج آبروی ملک و ملت را حفظ کنیم، خاصه که زنان ایران را آزاد و فاعل مختار به دنیا معرفی کرده‌اند؟» روزی که خواستم پاریس را ترک کنم رفتم از آقای سفیر کبیر خداحافظی نمایم. ایشان بی‌اندازه اظهار دلنگی کردند. گفتند: «خانم سیاح و خانم فیروز چرا بدون اجازه‌ی سفارت در کنگره شرکت نموده‌اند؟»

سیاح که در این دوران شخصیتی جهانی برای دفاع از حقوق زنان و برابری و آزادی زنان بود، از سوی محافل جهانی برگزارکننده‌ی نشست‌های مربوط به حقوق و آزادی زنان شناخته شده و مورد توجه بود: در ششم مارس ۱۹۳۹ نامه‌ای از آل. سی. دریفوس - پارنی از پاریس به حسین علا می‌رسد بدین مضمون: ... یکی از دوستان در ژنو، سال پیش با خانم فاطمه سیاح عضو هیأت رسمی ایران در

اکثريت آرا انتخاب و به آن مقام معرفی و تقاضا می‌نماید که امر و مقرر فرمایند برای صادر شدن گذرنامه‌ی بانوان نامبرده همه گونه وسایل و تسهیلات را فراهم نمایند. با آن سابقه‌ای که جنابعالی همواره نسبت به پیشرفت عالم نسوان ابراز علاقه می‌نمایید، یقیناً از بذل مساعده‌های لازم دریغ نموده، اعضای دبیرخانه را قرین افتخار و سپاسگزار خواهید فرمود.^۵

از طرف دبیرخانه حزب زنان ایران
منشی اول فاطمه سیاح

کنگره‌ی زن و صلح پاریس

فاطمه سیاح و صفیه فیروز از سوی حزب زنان ایران در سال ۱۳۲۴ به کنگره‌ی زن و صلح در پاریس دعوت شدند. صدیقه دولت آبادی، سرپرست کانون بانوان ایران، زن ایرانی دیگری بود که به این کنگره دعوت شده بود. میان صدیقه دولت آبادی و فاطمه سیاح درباره‌ی تصدیق مدارک نمایندگی در سفارت ایران در پاریس بحثی درمی‌گیرد، که می‌تواند به شناخت بیش‌تر سیاح یاری رساند. صدیقه دولت‌آبادی که خود مدرک نمایندگی‌اش را از سوی کانون زنان ایران به تصدیق سفارت رسانده بود، در این باره با فاطمه سیاح اختلاف نظر پیدا می‌کند و این جمله را از فاطمه سیاح نقل می‌کند: «این دولت عزیز که به ما هیچ حقی نمی‌دهد ما چه کار به کار سفارت داریم؟»

بخشی از نامه‌ی دولت آبادی به وزارت فرهنگ پس از کنگره‌ی زن و صلح پاریس و مربوط به این بحث و اختلاف نظرش با فاطمه سیاح را در این جا از کتاب صدیقه دولت آبادی - نامه‌ها، نوشته‌ها، یادها نقل می‌کنم. در این نامه پس از آن که صدیقه دولت آبادی به وزارت فرهنگ توضیح می‌دهد که خود نمایندگی‌اش را از سوی کانون بانوان به تصدیق سفیر کبیر رسانده، می‌نویسد:

روز موعود به کنگره حاضر شدم. موقعی که معرفی به نماینده‌ی ایران رسید دیدم دو نفر دیگر غیر از من برخاستند. خانم صفیه فیروز (که خانم سرلشکر فیروز باشد) و فاطمه سیاح بودند. بعد از ختم جلسه خانم صفیه فیروز گفتند: «ما شخصاً دعوت کردیم و دعوت‌نامه‌ی من از تهران به آمریکا آمده بود و من حاضر شدم، خانم فاطمه سیاح

جامعه‌ی ملل و استاد ادبیات اروپا در دانشگاه تهران آشنا شده بود. تمایل داشتیم این خانم را در جشن شورای بین‌المللی زن که در سال گذشته در آدیسبورگ برپا شد ملاقات کنیم ...^۷

و در پایان بخش سوم از این جستار، که امید است راهی گشوده بر آغازی دیگر باشد، نگاهی بر یکی دیگر از دیدگاه‌های سیاح درباره‌ی لزوم پرداختن به مسائل زنان پیش و در حال برقراری دموکراسی - که امروز نیز از سوی بسیاری از روشنفکران دینی و غیردینی لزوم آن مورد تردید و حتا انکار قرار گرفته و می‌گیرد - جالب توجه است. سیاح برقراری دموکراسی را بدون تلاش همزمان برای تساوی حقوق و آزادی و ترقی زنان ممکن نمی‌داند و می‌گوید:

اینک اگر به ما بگویند که زن‌ها نباید به مسائل سیاسی مداخله کنند و به زمامداران کشور نصیحت بنمایند چنین جواب می‌دهم که حزب ما در سرلوحه‌ی برنامه‌ی خود تساوی حقوق و آزادی و ترقی زنان را ذکر نموده است با جمیع اقداماتی که ما نزد دولت و مجلس نموده‌ایم به تجربه به ما ثابت شده که آزادی و ترقی ما با جمیع شئون سیاسی و اجتماعی کشور رابطه‌ی مستقیم دارد و اگر واقماً یک دموکراسی حقیقی در مملکت ما حکمفرما شود منظورهای ما برآورده نخواهد شد.^۸

پانویس:

- ۱- فروغ حکمت، زندان زنان ایران. نشریه‌ی حزب زنان ایران، شماره ۱، سال ۱۳۲۴.
- ۲- رک به ژانت آفاری. انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه‌ی جواد یوسفیان، ص ۵۲، بانو، سال ۱۳۷۷.
- ۳- احزاب سیاسی ایران، سازمان اسناد ملی ایران، ص ۶۷، ۶۵.
- ۴- سازمان اسناد ملی ایران، شماره‌ی ۱۰۹۰۰۴.
- ۵- سازمان اسناد ملی ایران، شماره‌ی ۱۰۹۰۰۴.
- ۶- مهدخت صنعتی و افسانه نجم آبادی (ویراستاران)، صدیقه دولت آبادی: نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، ص ۲۸۸، ۲۸۹. انتشارات نگارش و نگارش زن، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷.
- ۷- آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره‌ی ۳۸۶۷/۱.
- ۸- فاطمه سیاح، درس عبرت از وقایع آذربایجان، ص ۱۲، نشریه‌ی حزب زنان ایران، شماره‌ی ۱، ۱۳۲۴.

چشمگیری وجود دارد در مقایسه با نوجوانان بارداری که مورد سوء استفاده قرار نگرفته بودند، نوجوانان مورد سوء استفاده قرار گرفته در سنین کودکی، رابطه جنسی را یک سال زودتر آغاز کرده بودند و احتمال بیش‌تری برای استفاده از مواد مخدر و الکل میان آنان وجود داشت و به میزان کم‌تری از وسایل جلوگیری از بارداری استفاده می‌کردند. احتمال بیش‌تری وجود دارد که این نوجوانان توسط شریک جنسی خود کتک بخورند یا به خاطر پول، مواد مخدر یا محلی برای اقامت، تن به برقراری ارتباط جنسی دهند. متوسط سنی اولین ارتباط جنسی برای زنانی که مورد سوء استفاده قرار

طور چشمگیری بیش‌تر از این معضل میان زنانی که به دلیل مشکلات دیگر بهداشت روانی مورد درمان قرار گرفتند، زنان کتک خورده بدون مشکل الکلیسم و زنان غیرالکلی در کل جمعیت بوده است. این یافته‌ها حتا پس از بازبینی جمعیتی و اختلافات پیشینه‌ی خانوادگی شامل مشکل مصرف الکل در والدین همچنان قابل توجه باقی مانده است.

محققان دیورا بویر و دیوید فاین ۶۰ (۱۹۹۲) نیز در یک نمونه ۵۳۵ نفره از مادران نوجوان در ایالت واشنگتن دریافتند که میان سوء استفاده جنسی در کودکی و بارداری در سنین نوجوانی ارتباط

پیامدهای بهداشتی خشونت ... بقیه از صفحه ۱۱

نوجوانی مرتبط دانسته‌اند. ۵۷ تعدادی از بررسی‌ها مورد سوء استفاده واقع شدن در سنین کودکی را مرتبط با افزایش الکلیسم به خصوص در میان زنان می‌دانند. ۵۸ در یک تحلیل خوب و ویژه در مورد بازگشت به خاطره گذشته، میلر، دادزوتستا ۵۹ (در دست چاپ) دریافتند که میزان آزار در سنین کودکی در میان زنان مورد مداخله در برنامه‌های درمان الکلیسم به